

ترجمة

مصباح الهداية الى الخلافة والولاية

امام خمينى (س)

سرشناسه: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۷۹.
عنوان قرارداد: مصباح‌الهدایة الى الخلافة والولاية، فارسی.
عنوان و نام پدیدآور: ترجمه مصباح‌الهدایة الى الخلافة والولاية / امام خمینی؛ مترجم حسین مستوفی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.
شابک: 1 - 087 - 212 - 964 - 978 ISBN
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۴۳ - ۲۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: ۱. ولایت، ۲. نبوت، ۳. عرفان، ۴. خلافت.
شناسه افزوده: الف. مستوفی، حسین، مترجم. ب. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، گروه معارف اسلامی. مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده‌بندی کنگره: ۶۰۴۱ م ۸/خ ۱/۱ BP ۲۸۷
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۷۷۰۴۷

کد/م ۲۵۳۷



مؤسسه چاپ و نشر عروج

□ ترجمه مصباح‌الهدایة الى الخلافة والولاية

- ◆ نویسنده: حضرت امام خمینی (س)
- ◆ مترجم: حسین مستوفی
- ◆ ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
- ◆ چاپ اول: ۱۳۸۹
- ◆ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ◆ قیمت: ۵۵۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۴۸۷۳-۶۶۴۰ - دورنگار: ۶۶۴۰-۰۹۱۵
• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷
• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاهدان، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷
• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱
• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه.....	۱۳
ترجمة مصباح الهداية الى الخلافة والولاية.....	۳۵
خطبة کتاب.....	۳۷
بیان محتوای کتاب.....	۳۸

مشکات اول

بیان برخی از اسرار خلافت محمدی(ص) و ولایت علوی(ع) در حضرت علمیه	
و پاره‌ای از مقام نبوت.....	۴۱
مصباح ۱: در «عماء» و بطون بودن «هویت غیبی احدی» و ناشناخته بودن آن بر	
پیغمبران و رسولان.....	۴۳
مصباح ۲: عدم توجه «هویت غیبی» به اسما و صفات و عدم تجلی در صورتها	
و آینه‌ها.....	۴۴
مصباح ۳: حقیقت غیبی با صفت بطون و اسم باطن در برابر اسم ظهور و	
ظاهر نیست.....	۴۴
مصباح ۴: تباین و اشتراک حقیقت غیبی با خلق.....	۴۵

- مصباح ۵: غلطیدن متکلمان و فیلسوف‌نماها در تشبیه و تعطیل؛ و نگاه عارف بینا در توحید ۴۶
- مصباح ۶: مذهب صحیح «توحید» در روایات ۴۶
- مصباح ۷: ارتباط اسما و صفات توسط فیض اقدس با مقام غیب مطلق ۴۷
- مصباح ۸: لزوم خلیفه الهی برای ظهور و بروز اسما و صفات ۴۷
- مصباح ۹: دو چهره خلیفه الهی ۴۸
- مصباح ۱۰: اسم الله اعظم در مقام تعیین اولین گیرنده فیض از «فیض اقدس» ۴۸
- مصباح ۱۱: نخستین ظهور حضرت اسم اعظم ۴۸
- مصباح ۱۲: چگونگی خلافت در ظهور ۴۹
- مصباح ۱۳: تشبیه ظهور خلیفه الهی به ظهور و سریان نفس در قوا ۴۹
- مصباح ۱۴: کثرت اسمایی اولین کثرت در دار وجود ۵۰
- مصباح ۱۵: نزدیکی و دوری از فیض اقدس، ملاک وحدت و کثرت اسماء ۵۰
- مصباح ۱۶: جامعیت و وجه نامگذاری یکایک اسمای الهی ۵۱
- مصباح ۱۷: الفاظ و عبارات حجابهای حقایق و معانی ۵۲
- مصباح ۱۸: دلالت آیات شریفه پایانی سوره حشر بر اتحاد حضرت الهی با غیب هویت و اتحاد اسما و صفات با ذات احدیت ۵۲
- مصباح ۱۹: سخن قاضی سعید قمی (ره) در جامعیت اسم «الله» ۵۳
- مصباح ۲۰: عدم اختلاف کلام قاضی سعید (ره) با سخن مؤلف (فده) ۵۴
- مصباح ۲۱: دو چهره اسمای الهی ۵۴
- مصباح ۲۲: وجه جمع بین آیات و احادیث در نفی و اثبات صفات ۵۵
- مصباح ۲۳: نقد کلام قاضی سعید (ره) در صفات و اسمای خداوند تعالی ۵۵
- مصباح ۲۴: برهان قاضی سعید (ره) بر برگشت صفات ذاتی به نفی نقص ۵۶
- مصباح ۲۵: نقد کلام قاضی سعید قمی (ره) ۵۷
- مصباح ۲۶: بیان عظمت شأن خلافت الهی و مقام «عندیت» ۵۹
- مصباح ۲۷: خلافت الهی، روح خلافت محمدی (ص) ۶۰

- حقیقت لیلۃ القدر در سخن عارف کامل شاه‌آبادی (قده) ۶۰
- مصباح ۲۸: چگونگی ارتباط خلیفه الهی با اسما و صفات ۶۱
- مصباح ۲۹: تعیین پذیری صورت حضرت غیبی با تعینات اسما و صفات ۶۱
- مصباح ۳۰: پرده نشینی حقیقت غیبی و ظهور وی در اسماء ۶۱
- مصباح ۳۱: تحقیق معنای «عماء» در حدیث نبوی (ص) ۶۲
- مصباح ۳۲: اعیان ثابتة لوازم اسمای الهی و تعینات صفات حق تعالی ۶۴
- مصباح ۳۳: عین ثابت محمدی (ص) اوّل ظهور در نشئه اعیان ثابتة ۶۴
- مصباح ۳۴: خلافت عین ثابت انسان کامل بر همه اعیان ثابتة ۶۴
- مصباح ۳۵: حقیقت قضا و قدر ۶۵
- مصباح ۳۶: منشأ و سرآغاز «بداء» ۶۵
- مصباح ۳۷: بیان «قدر» در حدیث امیرالمؤمنین (ع) ۶۶
- مصباح ۳۸: نسبت بین عین ثابت انسان کامل با دیگر اعیان ۶۸
- مصباح ۳۹: کلام قیصری پیرامون ماهیات و فیض اقدس و مقدس ۶۸
- مصباح ۴۰: حصول اعیان ثابتة با تجلّی دوّم فیض اقدس ۶۹
- مصباح ۴۱: عین ثابت انسان کامل خلیفه بزرگ الهی و دارا بودن «معیت قیومی»
با هر عین ۷۰
- مصباح ۴۲: هشدار از پیروی متشابهات کلمات عرفا و اولیاء ۷۰
- مصباح ۴۳: اشاره اجمالی به مسلک عرفا در قاعده «بسیط الحقیقة» و علت
جمل اصطلاحات ۷۱
- مصباح ۴۴: حقیقت ولایت ۷۲
- مصباح ۴۵: حقیقت خلافت و ولایت در دو مقام غیب و ظهور ۷۲
- مصباح ۴۶: تمایز و فرق احاطه در کره‌های روحانی و حسی ۷۲
- مصباح ۴۷: استدلال قاضی سعید (ره) بر سخن ارسطو: «حقایق بسیط بر هیئت
دایره حقیقی است» ۷۳
- مصباح ۴۸: تفسیر نبوت حقیقی مطلق ۷۳

مصباح ۴۹: اختلاف مراتب انباء و تعلیم	۷۴
مصباح ۵۰: اشاره به سخن عرفا: «جعل الفاظ برای روح و حقایق معانی»	۷۴
مصباح ۵۱: شناخت نفس، نردبانی برای شناخت مراتب انباء و تحقیق آن در نفس	۷۵
مصباح ۵۲: حقیقت انباء در عالم اسماء	۷۶
مصباح ۵۳: اقتضای اسما در آشکار کردن کمالات ذاتی خود	۷۶
تجلی «اسم الله اعظم» بر دیگر اسما با دو اسم «حکم و عدل»	۷۷
مصباح ۵۴: شأن و جایگاه نبی در حفظ حدود الهی در هر نشئه	۷۷
مصباح ۵۵: نقلی کلام عبدالرزاق کاشانی در نبوت	۷۸
مصباح ۵۶: نقد کلام عبدالرزاق و تحقیق حق در نبوت	۷۸

مشکات دوم

برخی اسرار خلافت و ولایت و نبوت در نشئه غیبی در عالم امر و خلق

مصباح اول

اشاره به برخی اسرار عالم امر	۸۳
نور ۱: ظهور عوالم متناسب با تعین اسمایی ذات	۸۳
وجه توقیفیت اسمای الهی	۸۴
نور ۲: تعینات اسمایی منشأ آثار فاعلها	۸۴
نور ۳: حبّ به شهود ذات علّت ظهور عوالم	۸۴
نور ۴: مشیت مطلقه و تعبیر مختلف آن به حسب مراتب و مقامات	۸۵
نور ۵: مقام وحدت و کثرت مشیت مطلقه	۸۵
نور ۶: مقام احدیت جمع و تجلی علمی در نشئه ظهور	۸۶
نور ۷: سخن عارف کامل شاه‌آبادی (قده) در سرّ مخالفت موسی (ع) با خضر (ع)	۸۶
نور ۸: حقیقت مشیت مطلقه و سرّ آیه نور	۸۷

- نور ۹: جمع بین سخنان اصحاب شهود و حکمت در مراتب وجود..... ۸۸
- نور ۱۰: تفاوت نسبت حق تعالی با فعل خود با نسبت بین فعل و فاعلهای دیگر.... ۹۰
- سخن در ظهور و بطون حق تعالی..... ۹۲
- نور ۱۱: مقام خلافت مقام جمع و اجتماع حقایق الهی و اسمای مکنون..... ۹۲
- نور ۱۲: اعیان ثابته حجاب برای ظهور ذاتی و اسمایی و صفاتی نیست..... ۹۴
- نور ۱۳: توجه به تقدیس و تنزیه مناسبتر و کم خطرتر برای سالک..... ۹۵
- نور ۱۴: سر امتناع انبیا و اولیا از اظهار معجزات و کرامات..... ۹۶
- نور ۱۵: اشاره به برخی اسرار و دقایق در سخنان بزرگان..... ۹۷
- نور ۱۶: حقیقت نبوت در نشئه عینی..... ۹۸
- نور ۱۷: بیان ترتیب موجودات در پذیرش ولایت باطنی..... ۹۸
- نور ۱۸: بیان امانت الهی و معنای ظلوم و جهول..... ۹۹
- نور ۱۹: نبوت انسان کامل و مقامات سه گانه «انباء»..... ۱۰۰
- نور ۲۰: سخن حکیم قمشه‌ای(قده) در اعیان ثابته و اسناد عالم به عین ثابت
محمدی(ص)..... ۱۰۱
- نور ۲۱: نقد کلام حکیم قمشه‌ای(قده) و بیان حق در مسأله..... ۱۰۲

مصباح دوم

- سر خلافت و نبوت و ولایت در نشئه غیبی و انوار عقلی الهی..... ۱۰۴
- مطلع ۱: برهان بر تعین اول بودن حقیقت عقلی برای مشیت مطلقه..... ۱۰۴
- مطلع ۲: اشاره به تعین عقلی ارواح معصومین(ع)..... ۱۰۶
- تفسیر روایت کافی در معنای «کان اذ لا کان» و خلق محمد(ص) و علی(ع) از
نور حق قبل از تکون همه موجودات..... ۱۰۷
- مطلع ۳: اختلاف حکما و عرفا در کیفیت صدور و تعیین صادر اول..... ۱۱۰
- مطلع ۴: جمع بین کلمات حکما و عرفا..... ۱۱۲
- مطلع ۵: نقد کلام محقق قونوی در تعبیر به «صدور»..... ۱۱۳

- مطلع ۶: حکم بیننده کثرت و وحدت با یکدیگر..... ۱۱۴
- مطلع ۷: حقیقت عقلی جهت وحدت عالم؛ و عالم جهت کثرت آن..... ۱۱۵
- نصیحتی به طالبان الهیات..... ۱۱۷
- مطلع ۸: چگونگی احاطه عقل مجرد بر مراتب پایین تر از خود..... ۱۱۸
- مطلع ۹: امثال عقل، فرمان رحمان را در هدایت ساکنان عوالم و رجوع آنها به سوی رحمان..... ۱۱۹
- مطلع ۱۰: اشاره به برخی اسرار حدیث امام باقر(ع) پیرامون عقل..... ۱۱۹
- مطلع ۱۱: معنای خلافت عقل کلی در جهان خلقت..... ۱۲۲
- مطلع ۱۲: نقل حدیث خلقت رسول الله(ص) و ائمه(ع) و برترین آنها بر فرشتگان..... ۱۲۲
- مطلع ۱۳: شرح برخی از قسمتهای حدیث شریف..... ۱۲۷
- معنای سخن(ص): «ما خلق الله خلقاً افضل منی»..... ۱۲۷
- پرسش امیرمؤمنان(ع) از رسول خدا(ص) برای کشف حقایق..... ۱۲۸
- سر اختصاص ذکر جبرئیل..... ۱۲۹
- برتری حقیقی ائمه(ع) بر فرشتگان نه اعتباری..... ۱۲۹
- مرتبه وجودی علی(ع) و ائمه(ع) نسبت به پیغمبر(ص)..... ۱۳۰
- آنچه از سخن رسول خدا(ص) استفاده می شود: «فرشتگان خادمان ما و خادمان دوستداران ما هستند»..... ۱۳۰
- معنای «والَّذین یحملون العرش» در کلام پیغمبر(ص)..... ۱۳۱
- ائمه(ع) واسطه های بین حق و موجودات در اصل وجود هستند..... ۱۳۱
- اصل: در بیان پیشی گرفتن ایشان در شناخت پروردگارشان..... ۱۳۲
- اصل: ارکان توحید: تحمید، تهلیل، تکبیر، تسبیح..... ۱۳۳
- اصل: ترتیب ارکان چهارگانه در روایت..... ۱۳۴
- اصل: بهره فرشتگان از توحیدهای سه گانه همانند انسان کامل نیست..... ۱۳۵
- خاتمه..... ۱۳۵

مصباح سوم

در اسرار خلافت و نبوت و ولایت در نشئه ظاهر خلقی و سرّ بعثت انبیاء و

نسبت جایگاه آنها با پیامبر (ص) ۱۳۶

وميض ۱: اسمای الهی - غیر از اسم الله - دارای محیطیت و محاطیت هستند ۱۳۶

وميض ۲: لزوم وجود خلیفه و مظهر برای عین ثابت محمدی (ص) و حضرت

اسم اعظم ۱۳۶

وميض ۳: حقیقت اسم «الله» اعظم در مقام جمعی و ظاهری و بیان قیامت کبرای

اسما و اعیان ثابته و اشیاء ۱۳۷

وميض ۴: اسم اعظم در جهان ظاهر جامع مراتب اسما و حقایق اعیان است ۱۳۸

وميض ۵: معنای کلام امیرالمؤمنین (ع): «با پیامبران در باطن و با پیغمبر (ص) در

ظاهر بودم» ۱۳۸

وميض ۶: سؤال حقایق خارجیّه از اسماء برای آشکار شدن آنها و اتفاقات

پس از آن ۱۳۹

وميض ۷: هشدار در طعن بر عرفا بدون فهم مقاصد آنها ۱۴۱

وميض ۸: مطالب گذشته با توجه به ارجاع مستببات به اسباب آنها بود ۱۴۲

وميض ۹: کلام حکیم قمشه‌ای (قده) در تحقیق اسفار اربعه ۱۴۲

وميض ۱۰: تحقیق مؤلف (س)، پیرامون اسفار اربعه ۱۴۵

وميض ۱۱: اختلاف مراتب انبیاء در اسفار اربعه ۱۴۶

وميض ۱۲: تحقق اسفار اربعه برای اولیای کامل ۱۴۶

خاتمه و وصیت: هشدار در کشف اسرار برای غیر اهل و بازگویی آن در جایگاه

مناسب ۱۴۷

شرح اصطلاحات ۱۴۹

فهارس ۱۸۳

مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة «متن عربی» ۲۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش از آغاز «هستی» و از چگونگی به وجود آمدن «هستی‌های متعدد» اندیشه بشر را از گذشته تاکنون درگیر کرده است. بشر همیشه با آن روبرو بوده و برای تفسیر و دریافت هستی به آن پرداخته است.

هیچ نحله فکری، الهی و مادی را نمی‌توان یافت که به این پرسش نپردازد. پرسش از اصل «هستی» و کثرت‌های آن، پرسش از آغاز کثرت، و آفرینش انسان و جایگاه وی در جهان و پرسشهایی مانند: کثرت‌هایی که مشاهده می‌شود از کجا آمده است؟ آیا در آغاز کثرت بوده یا وحدت؟ اگر وحدت بوده، چگونه کثرت پدید آمده است؟ و آیا این کثرت‌ها به وحدتی برمی‌گردد؟ آیا در این کثرت‌ها وحدتی نیز وجود دارد؟ ... همه اینها پرسشهایی است که همیشه بوده و خواهد بود.

آنان که در هستی - با تأمل و تفکر و یا وجدان و شهود و ... - به یک حقیقت و یک واحد رسیده‌اند، یعنی به حق جلّ جلاله راه یافته‌اند و به او معتقد گشته‌اند، باز این پرسش برای آنان پیش آمده است: چگونه و به چه صورت این همه کثرت‌ها - موجودات - به وجود آمده‌اند؟ آیا یکایک موجودات، جدا جدا آفریده شده‌اند یا نه؟ صدور موجودات از حق چگونه بوده است؟ ربط موجودات به حق به چه صورت است؟ آفرینش یعنی چه، و چگونه است؟ آیا اینها برگشت هم دارند؟ برگشت آنها به چیست؟ و ...

به همین دلیل، هر اثر دینی و عرفانی و حکمت الهی را بگشایید، با این مطالب

روبرو می‌شوید. در آثار دینی، سخن از آفرینش آسمانها و زمین، آفرینش موجودات زنده، آغاز و چگونگی آفرینش انسان، پرسش و پاسخ پیرامون اول مخلوق، به مانند: اول ما خلق الله العقل؛^۱ اول ما خلق الله نوری؛^۲ انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون؛^۳ و ما امرنا الا واحدة؛^۴ تدبیر عالم و رجوع آن به حق، عرضه ولایت و امانت و قضا و قدر و... در آیات و روایات اسلامی برای حل این مسئله و روشن کردن ابعاد این موضوع است. و سفر پیدایش در تورات نیز پیرامون همین مطلب است.

در فلسفه الهی، مباحث علیّت و علت تامّه، بحث جعل؛ آیا جعل وجود است؟ یا جعل ماهیت؟ یا جعل اتّصاف ماهیت به وجود؟ بحث اول ما صدر، بحث عقل اول و نفس کلّی، عقول دهگانه و عقل فعال در حکمت مشاء. بحث انوار، و تقسیم آن به انوار طولی و عرضی، انوار قاهره و اسفهدیه، ... در حکمت اشراق. بحث وحدت و کثرت، و جمع بین کثرت و وحدت در حکمت متعالیه در همین راستاست.

در آثار عرفانی، بحث کثر مخفی، اعیان ثابته، اعیان خارجی، تجلّی و ظهور، بحث تعین اول و فیض اقدس و مقدّس، و ظاهر و مظهر و اتحاد آن دو، بحث وحدت شخصی وجود، و تفسیرهای مختلف پیرامون کثرتها، بحث تشکیک در ظهور و ... همه برای بیان و حل این مسئله است.



رسالة «مصباح الهدایة الى الخلافة والولاية» که به خامه شیوای حضرت امام خمینی (س) در دوران شباب - ۲۹ سالگی - نگارش یافته است، دغدغه نویسنده را برای تبیین این موضوع و پرسش‌های آن به خوبی نشان می‌دهد. مؤلف محترم در این اثر می‌خواهد چگونگی پیدایش کثرت از وحدت را بیان کنند. و نشان دهند چگونه از غیب مطلق، که دور از دسترس همگان است، این همه نقش و اثر در عالم پدیدار گشته است.

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۵.

۳. پس / ۸۲.

۴. قمر / ۵۰.

ورود به این بحث و ارائه نظمی منسجم برای حل آن، نشانه تبخر و تسلط گسترده نویسنده پیرامون آن است که برای کمتر کسی حاصل می‌شود. حضرت امام (س) برای بیان مسئله، زبان عرفان را برگزیده‌اند و اثر خویش را با زبان اهل معرفت نگاشته‌اند که دارای عمیق‌ترین و زیباترین بیان در این باب است.

اثر ایشان از جمله مسفورات عرفانی است که به تعبیر استاد آشتیانی (ره)؛ فقط از کمترین ارباب عرفان برمی‌آید.

امام (س)، در این رساله، برای بیان مطلب علاوه بر زبان عرفانی، از حکمت بویژه حکمت متعالیه که به حق می‌توان آن را فاضل عرفان و حکمت دانست و زبان فلسفی عرفان نامید، سود جسته و آن را نیز به کار گرفته‌اند. و از همه مهمتر آن را با قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت همراه کرده و با بیانی لطیف، فهم مآثورات شریعت را در این موضوع تسهیل کرده‌اند. و می‌توان ادعا کرد زبان و بیان عرفانی را در خدمت فهم شریعت و مآثورات نبوی و علوی درآورده‌اند. و یا بهتر بگوییم؛ عرفان را از آبشخور آیات و روایات سیراب کرده و عرفان ناب و درست را با بهره‌گیری از قرآن و حدیث عرضه داشته‌اند.

این نکته را نباید فراموش کرد که به دلیل نفاست بحث و اختصار مطلب و زبان نگارش که چندان از آن گریزی نیست، فهم و درک مطالب آن به سادگی و سهولت برای خوانندگان مقدور نمی‌باشد.

به همین دلیل و با توجه به گرایش گسترده به مباحث عرفانی و نظری در جامعه و توجه ویژه به مطالب عرفانی و دیدگاههای امام خمینی (س) و نفاست و ارزش بحث، تصمیم گرفتیم که اثر کم‌نظیر فوق را در این موضوع به فارسی برگردانده و فارسی زبانان را نیز از آن بهره‌مند سازیم. - البته از یاد نبرده‌ایم که اثر فوق با ترجمه فارسی مرحوم آیت‌الله سید احمد فهری در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی به جامعه عرضه شده است که تلاش و کوشش ایشان ستودنی است، ولی هم اثر در بازار کمیاب است و هم در فهم مطالب آن مشکلاتی وجود دارد. - و کوشش کردیم تا ترجمه‌ای روانتر از اثر فوق ارائه دهیم؛ هرچند به دلیل ناتوانی ما و دشواری مطلب و زبان خاص و اصطلاحات ویژه آن، چندان خود را در این آرزو موفق نمی‌دانیم.

برای فهم بیشتر، افزون بر ارائه متن فارسی، با افزودنی‌های سه‌گانه زیر سعی کردیم گامهایی را برای تسهیل و نزدیکی فهم مطالب به ذهن خوانندگان برداریم.

۱. پانویس‌های زیر صفحه‌ها، خوانندگان را به منابع مطالب و معرفی دانشمندان و پاره‌ای توضیحات رهنمون می‌سازد.

۲. پیوست پایانی کتاب، شرحی بر بخشی از اصطلاحات و تعبیر عرفانی به کارگرفته در اثر است. شرح و معانی اصطلاحات می‌تواند یاری‌دهنده افراد در فهم بهتر مطالب باشد.

۳. مقدمه مختصر، در بیان مطالب کتاب به صورت گزارش محتوای اثر، با توضیح کوتاه که امید است بتواند خوانندگان را پیش از مطالعه متن و اثر اصلی با مطالب کتاب آشنا سازد تا هنگام مطالعه متن دریافت بهتری حاصل شود. در پایان این پیشگفتار اشاره به این مطلب لازم است که متن عربی کتاب با تصحیح و تعلیق، توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در سال ۱۳۷۲ انتشار یافته است. همراه متن عربی، مقدمه علمی و تحقیقی استاد فقید، سیدجلال‌الدین آشتیانی (ره) به زبان فارسی منتشر شده که شرح و توضیح بر مباحث عرفانی کتاب است و برای محققین و علاقه‌مندان مفید می‌باشد. همچنین نباید از یاد برد که آثار مهم عرفانی، نیاز به درس و بحث و استاد ورزیده دارد، و کمتر ممکن است بدون کمک و راهنمایی استاد، انسان بتواند به مطالب عمیق و ارزنده آن دست یابد و از فهم نادرست و کژفهمی مصون و محفوظ باشد. امید است این تلاش در راستای همین هدف قرار گیرد.

این اثر، نتیجه تلاش گروهی است که در درازای زمان با ما همراه بوده‌اند، و در گامهای پایانی آن، خانم فروغ احراری در ویرایش ترجمه، و آقای علی اصغر رحمتی و خانم میترا شربتدار و اکرم خلوجینی در آماده‌سازی چاپ ما را یاری رسانده‌اند؛ برای همه آنان آرزوی موفقیت روزافزون می‌نماییم.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

گروه معارف اسلامی

«مصابح الهدایة الى الخلافة والولاية» در دو «مشکات» و یک «خاتمه» تنظیم یافته است:

مشکات اول، پیرامون بحث نبوت و ولایت و خلافت در عالم غیب و الوهیت است که در بردارنده خلافت و نبوت در عالم اسما و صفات و عالم اعیان ثابت می‌باشد. مشکات به معنای جای قراردادن چراغ است، و در آن مصباح که به معنای چراغ است قرار می‌گیرد. و مشکات اول، پنجاه و شش چراغ دارد.

مشکات دوم، پیرامون بحث خلافت و نبوت در عالم عین است که در آن سه مصباح قرار داده شده است:

مصباح اول، دربردارنده بیست و یک نور است که از این «چراغ» می‌درخشد و شعله می‌دهد. در این مصباح، بحث ظهور مشیت مطلقه که سرآغاز تحقق بیرونی و خارجی است، مطرح می‌گردد.

مصباح دوم، دربردارنده سیزده «مطلع» و یک «خاتمه» است. مطلع به معنای جای برآمدن آفتاب و غیر آن است، که از آن مطلع‌ها، نور این چراغ برمی‌آید و نورافشانی می‌کند. و بحث آن پیرامون نبوت و ولایت و خلافت در عالم عقل و عقول و مجردات است.

مصباح سوم، دربردارنده دوازده «ومیض» است. ومیض به معنای درخشیدن برق است بی‌آنکه در ابر پراکنده گردد. در این مصباح، بحث نبوت و خلافت و ولایت در عالم ظاهر و ملک و دنیا ارائه می‌گردد.

و «خاتمه» در بیان تذکر حفظ اسرار و حقایق و معارف و بیان آن در جای خویش می‌باشد.

اکنون پیش از شرح مختصر مطالب کتاب، لازم است که به معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های «نبی و نبوت»، «ولی و ولایت»، «خلیفه و خلافت» اشاره شود.

«نبی» بر وزن فعل، صفت مشبّه است که به معنای فاعل و مفعول می‌آید و «نبوت» مصدر است. پیرامون ریشه «نبی» دو عقیده است، گروهی از «نبا» به معنای خبر دانسته‌اند و بنابراین نبی به معنای «خبردهنده» و «خبردار» است. برخی دیگر «نبی» را از «نبو» دانسته‌اند که به معنای برتری و بلندی است. و معنای «نبی» یعنی کسی که صاحب عظمت و مقام بالا و والا است.^۱

نبوت و نبی در زبان و آثار، نبوت و ارسال رسولان برای انسان را در برمی‌گیرد ولی معنای آن، که اخبار (خبر دادن) است عام‌تر از اخبار برای انسانهاست. به همین دلیل اهل عرفان، غیر از نبوت در زمین و ارسال رسولان، نبوت را در دیگر عوالم جاری می‌دانند، و صاحب این مقام در هر عالمی عهده‌دار اخبار به تناسب آن می‌باشد.

کاشانی در تعریف نبوت می‌نویسد: «نبوت، خبر دادن از حقایق الهی است، یعنی از معرفت ذات حق و اسما و صفات و احکام آن؛ و آن بر دو نوع است: نبوت تعریف، نبوت تشریع. اولی، عبارت از خبر دادن از معرفت ذات و صفات و اسما است. و دوم، علاوه بر آن تبلیغ احکام و تربیت به اخلاق و تعلیم حکمت و اقدام به سیاست را دربردارد و این به رسالت اختصاص دارد.»^۲

نبوت تعریف در همه مراتب هستی و عوالم وجود حضور دارد، و آنچه در این اثر مورد بحث قرار می‌گیرد بحث نبوت و انباء و تعلیم، در همه مراتب به‌گونه مناسب آن مرتبه است که در دنیا و جهان انسانی مصداق آن نبوت تشریعی می‌باشد.

۱. معجم مقاییس اللغة، مفردات، قاموس اللغة؛ التحقيق فی کلمات القرآن.

۲. اصطلاحات العرفیه، ص ۷۱.

ولی، ولایت: ریشه آن «أولی» است به معنای نزدیکی، ... و ولی، به معنای قرار گرفتن دو چیز در کنار هم که فاصله‌ای بین آن دو نباشد. و می‌گویند حسن یلی حسین. یعنی حسن در کنار حسین قرار گرفته است.

ولی، اسم آن است که به معنای دوست، رفیق، یاور، سرپرست و ... می‌آید، و ولایت و ولایت مصدر است. و به معنای سرپرستی کردن، اداره امور دیگری ... است.^۱

ولی، و دارنده ولایت، به دلیل نزدیکی و قرب حقیقی به حق، نه اعتباری آن را دارا شده است که این نزدیکی باطن و ریشه خلافت و نبوت می‌باشد، و این نزدیکی، موجب نیابت و تصرف و تربیت و سرپرستی می‌شود که در هر جا و مرتبه مصداق خود را می‌جوید.

خلافت از «خلف» است که برای آن سه معنا گفته‌اند؛ اول: چیزی به جای چیزی می‌آید و جای وی قرار می‌گیرد. دوم: پشت. و سوم: تغییر.^۲

خلافت به معنای جانشینی است، این جانشینی گاهی زمانی و در غیبت صاحب آن است. مانند جانشینی حاکم بعدی پس از مرگ حاکم اول و یا غیبت آن. و گاهی این جانشینی رتبی است. یعنی این فرد پس از او قرار می‌گیرد و به جای او و به نیابت از وی، کاری را انجام می‌دهد. در این رساله، خلافت به معنای دوم است که مرتبه خلیفه پایین‌تر از مستخلف‌عنه می‌باشد. و این گونه خلافت از حق معنا دارد.

باید توجه داشت که این سه مقام «نبوت، ولایت، خلافت» از هم جدا نیستند، بلکه همراه هم و دارای مصادیق واحد هستند. - البته نبوت تشریعی، مخصوص عالم انسانی است، و در غیر عالم انسانی سخن از نبوت تشریعی نمی‌آید. - ولی ظهور مختلف است، گاهی شأن نبوت ظهور پیدا می‌کند و شأن ولایت مخفی است و زمان دیگر شأن ولایت ظاهر، و شأن نبوت باطن است.



۱. قاموس اللغة، التحقیق فی کلمات القرآن، معجم مقاییس اللغة، ...

۲. معجم مقاییس اللغة، قاموس اللغة و ...

مشکات اول

خلافت و ولایت و نبوت در عالم اسما و اعیان ثابتہ

حق، جلّ جلاله، در مقام ذات خویش غیب است. و این مرتبه دور از دسترس همگان قرار دارد، و هیچ راهی به معرفت و شناخت این مقام برای کسی نیست، این مقام را رسمی و اسمی و وصفی نمی‌باشد. و نهایت، اظهار عجز از معرفت آن است، این مقام غیبی است که از هر ظهوری دور و پوشیده است و از چهره او پرده برداشته نشده است. این مقام را «غیب الغیوب»، مقام لا اسمی و لا رسمی، عنقا مغرب و ... نامیده‌اند. و به بیان دیگر، ذات حق جلّ جلاله، بی‌نهایتی است که برای آن هیچ مرز و نشانه‌ای را نمی‌توان سراغ گرفت و هر شناخت و معرفتی به نشانه‌ای می‌باشد و هر نشانه او را از آن جایگاه «بی‌نهایت» و «نامحدودیت» پایین آورد. و بنابراین دست هیچکس به آن نرسد و شکار هیچ فردی نگردد، چون هر دستی از هر کس برآید آن را محدودیتی است و محدود را با نامحدود رابطه‌ای نباشد، و به همین دلیل آن را پنهان پنهان‌ها «غیب الغیوب» نامیده‌اند.

بنابراین معرفت به این مقام برای کسی حاصل نشود، زیرا معرفت به ظهور است، و هر ظهوری تعین است و هر ظهوری جلوه است، و برون رفت از غیب است. بنابراین تا تعین نباشد، تا ظهور نباشد، تا برون رفت از غیب و پرده نباشد، شناخت حاصل نگردد. بنابر مقدمه اول: اگر آن ذات لایتناهی بخواهد جلوه‌ای و ظهوری کند، چون هر جلوه و ظهور، حتی ظهور ذات برای خویش، او را از آن مقام پایین آورد، چه برسد به ظهورهای دیگر. پس برای این که ظهوری پیش آید و برون رفتی حاصل شود، پرده از غیب افکنده گردد و پریچهره که تاب مستوری ندارد جلوه کند، - چون او نمی‌تواند با خروج از غیب در هر مرتبه‌ای مشاهده شود و یا خود را مشاهده کند باید ابتدا شهودی در مرتبه‌ای حاصل گردد که از آن غیب بهره‌ای داشته باشد، نایب منابی برای ظهور پیدا شود و به عبارت دیگر نیاز به چیزی است که بین و بین باشد، هم با غیب مرتبط باشد، و هم به بیرون از غیب چهره بنماید، و این وظیفه برعهده او گذاشته شود، این حقیقت